

چهارشنبه ۲۹ بهمن ۱۴۰۴
 وطن امروز | شماره ۴۵۳۹

[ورزشی]

یادداشت

نتایج پرسپولیس، بیابنه هیأت مدیره و تصمیمات حدادی
خطر بیخ گوش اوسمار؟

اعضای هیات مدیره و خوش‌بین‌ترین هواداران پرسپولیس باور نمی‌کردند سرمربی محبوبشان (اوسمار ویرا) که طبق بیابنه اخیر هیات مدیره، با توجه مستقیم به مطالبه هواداران جایگزین وحید هاشمیان شد، نتایج ضعیفی را با این تیم کسب کند و پیش از «نیمه نیم فصل دوم» آماج انتقادات و حتی در معرض خطر برکناری قرار گیرد. کسب قهرمانی در نیم فصل سرمربیگری قرمزپوشان در لیگ (۱۴۰۳-۱۴۰۲) با بازی‌ها و نتایج درخشان، مدیریت پرسپولیس را مجاب کرد هم‌زمان با رانکو به مذاکره با اوسمار نیز بپردازد و نهایتاً او را که پایگاه خوبی نزد پرسپولیسی‌ها داشت به جای هاشمیان روی صندلی اول نیمکت بنشاند. برخلاف انتظار اما، این مربی برزلی نتایج خوبی را با پرسپولیس در ۶ بازی اخیر کسب نکرده و با ۲ برد، ۴ باخت، ۵ گل زده، ۱۰ گل خورده و از دست دادن چندباره فرصت صدرنشینی، به سبیل اصلی اوضاع فعلی این تیم بدل شده است. پرسپولیس اوسمار تا اینجای نیم فصل دوم در همه بازی‌های خارج از خانه، بازنده شده و همین امر افزایش نگرانی‌ها درباره بازی‌هایی که این تیم، میهمان است را موجب می‌شود.

پس از شکست برابر گل‌گهر، هیات مدیره پرسپولیس بیابنه‌ای صادر کرد که در آن ضمن رفع مسؤولیت از خود، انگشت اشاره متوجه اوسمار شده و دست مدیرعامل را برای تغییر او با تعابیر مختلف و بدون در نظر گرفتن فشارهای بیرونی، محدودیت‌های شکلی و شکل قرارداد باز کرده بود؛ بیابنه‌ای که از وجهی نیز می‌شد در آن، اختلاف نظر بین هیات مدیره و مدیرعامل باشگاه را دریافت!

ریک روز پس از آن اما، پیمان حدادی مدیرعامل باشگاه در نامه‌ای ابندی به معاون ورزشی خود، ضمن حمایت از سرمربی تیمش و مخالفت با برکناری او، تصمیمات tendy را ابلاغ کرد که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱- کسر ۲۰ درصد از قرارداد بازیکنان و کادر فنی به عنوان جریمه و بخشایش آن در صورت کسب ۳ پیروزی متوالی در دیدارهای آتی برابر خیبر خرم آباد، ذوب‌آهن اصفهان و تراکتور تبریز

۲- کسر همین رقم از حقوق و مزایای خود مدیرعامل ۳- اولتیماتوم به کسانی که توانایی، تمرکز و آمادگی ذهنی برای حضور در میدان ندارند و آمادگی باشگاه برای تسویه حساب با آنها

۴- ممنوع المصاحبه شدن بازیکنان و کادر فنی به غیر از سرمربی آن‌هم در کنفرانس‌های قبل و بعد از بازی!

چند نکته اینجا قابل ذکر است.

الف- مورد اول با توجه به مقررات فوتبال حرفه‌ای و عدم درج قبلی آن در قرارداد بین باشگاه با بازیکنان و کادر فنی، چندان ضمانت اجرایی ندارد و در صورت اعمال آن توسط باشگاه و شکایت متضرران، رای به سود گروه دوم صادر می‌شود. ب- با توجه به فحواۃ ۲ بیابنه اخیر هیات مدیره و مدیرعامل خصوصاً در دستور مستقیم به استفاده از ظرفیت آکادمی، وجود برخی اختلافات و چنددستگی در رختکن پرسپولیس را نمی‌توان انکار کرد؛ اختلافاتی که گویا مدیران را نیز به ستوه آورده است.

ب- مدیرانی که دادن فرصت بیشتر به وحید هاشمیان را برنتابیندند و در اثانی فعالیت او و اعلام حمایت علنی از وی، به مذاکره توانان و پنهان با رانکو و اوسمار رو آوردند و پس از توفیق در استخدام مرد برزلی، فاتحانه در تلویزیون برای همدیگر نوشابه باز کردند و دم از مدیریت مدرن و نوین و پروژه حرفه‌ای اسکاینینگ در دوره جدید زدند چرا سهمی از اوضاع موجود را متوجه عملکرد خود ندانستند؟

پرسپولیس این روزها سلام گرمی به بحران کرده است و باید دید مدیران این باشگاه توان مدیریت و عبور از آن را دارند یا مثل چند ماه پیش به تغییر سرمربی متوسل می‌شوند، بویژه که این روزها یحیی گل محمدی، دیگر سرمربی سابق و محبوب این تیم، بیکار است و احتمالاً جوابی تیم!

گزارش

انتخابی که هنوز توجیه نشده
گرای اشتباهی!

کلافگی این روزهای هواداران پرسپولیس فقط به نتایج ضعیف خلاصه نمی‌شود. وقتی یک تیم در ۶ بازی ۴ شکست را تجربه می‌کند، طبیعی است نگاه‌ها به همه اجزای تیم، از نیمکت تا زمین، با دقت بیشتری دوخته شود اما در میان همه عوامل، یک نام بیش از بقیه به نماد لِه‌ام تبدیل شده است؛ دنیل گرا، مدافع مجار که قرار بود پاسخی به بحران دفاع راست باشد اما تا اینجا خود به بخشی از مساله تبدیل شده است.

پرسپولیس پس از جدایی دانیال اسماعیلی‌فر، هرگز نتوانست ثبات گذشته را در این پست حفظ کند. آزمون‌های متعدد، از گرنه‌های داخلی تا خارجی، هیچ‌کدام نتوانستند خلا ایجادشده را به طور کامل پر کنند. در چنین شرایطی، جذب گرا با این امید انجام شد که او بتواند این معضل قدیمی را حل کند. کارنامه‌ای قابل قبول در فوتبال مجارستان و وعده یک مدافع منظم و باتجربه، باعث شد انتظارها از این خرید بالا باشد اما آنچه در زمین دیده شد، فاصله‌ای محسوس با آن تصویر اولیه داشت.

آمار، نخستین چیزی است که نگاه‌ها را به خود جلب می‌کند. گرا در ۴ بازی، ۳ کارت زرد دریافت کرده است؛ آماري که برای بازیکنی تازه‌وارد، آن هم در چنین مدت کوتاهی، نگران‌کننده محسوب می‌شود. این حجم از اخطار، نه‌تنها خطر محرومیت را افزایش می‌دهد، بلکه نشانه‌ای از ناهماهنگی و عدم تطبیق کامل با فضای تیم و لیگ است. در کنار این مساله، تأثیر او را فاز هجومی نیز محدود بوده و نتوانسته آن نقش‌ا را ایفا کند که از یک مدافع راست در ساختار تاکتیکی پرسپولیس انتظار می‌رود.

اما آنچه این موضوع را به یک پرسش جدی تبدیل کرده، مقایسه ناگزیر با یعقوب برارچه است. بازیکنی جوان که با وجود برخی اشتباهات، نشانه‌هایی از پویایی و انرژی را در سمت راست نشان داده بود.

بحرانی که امروز پرسپولیس با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند، صرفاً یک افت فنی یا چند نتیجه ضعیف نیست؛ این بحران، نخستین آزمون واقعی برای مدیرانی است که به‌تازگی سکان هدایت باشگاه را در دست گرفته‌اند. تغییر مدیریت پس از کنار رفتن رضا درویش، با ورود پیمان حدادی و ترکیب جدید هیات‌مدیره، در ابتدا با فضایی امیدوارکننده همراه بود. نشانه‌های ثبات دیده می‌شد، تیم نیم‌فصل نخست را با کمترین تنش پشت سر گذاشت و حتی این تصور شکل گرفت که پرسپولیس بدون لرزش، مسیر موفقیت را ادامه خواهد داد. اما فوتبال، بیش از هر چیز، عرصه آزمون‌های غیرمنظره است؛ آزمون‌هایی که نه در روزهای پیروزی، بلکه در شکست‌ها معنا پیدا می‌کند.

■ **بحران واقعی از لحظه شکست آغاز می‌شود**
 ورود به نیم‌فصل دوم، ناگهان چهره دیگری از واقعیت را نمایان کرد. ۴ شکست در فاصله‌ای کوتاه، آماری بود که حتی در دشوارترین دوره‌های این باشگاه نیز کمتر دیده شده بود. این نتایج، نه‌تنها جایگاه تیم را در جدول تحت تأثیر قرار داد، بلکه مهم‌تر از آن، ساختار مدیریتی تازه را در معرض نخستین لرزش جدی قرار داد. حالا دیگر مساله صرفاً نتایج نبود؛ مساله، نحوه مواجهه مدیریت با بحران بود. هر مدیری در روزهای آرام می‌تواند مدعی اقتدار باشد اما اقتدار واقعی، در لحظه‌ای سنجیده می‌شود که شعله‌های بحران زبانه می‌کشد.

در چنین شرایطی، مدیریت باشگاه باید نقش آتش‌نشان را ایفا کند، نه دمنده بر آتش. نخستین گام در مهار بحران، پذیرش واقعیت است، نه انکار آن و نه تلاش برای انتقال مسؤولیت به دیگران. بحران، با صدور بیابنه‌های طلبکارانه یا تصمیمات نمایشی خاموش نمی‌شود. برعکس، هر واکنش هیجانی و عجولانه، می‌تواند دامنه آن را گسترده‌تر کند. ■ **بیابنه‌ها؛ آغاز زنجیره واکنش‌های احساسی**
 بیابنه هیات مدیره پس از شکست مقابل گل‌گهر، نقطه

عطف این بحران بود. لحنی که بیش از آنکه نشان‌دهنده مسؤولیت‌پذیری باشد، تلاش برای فاصله گرفتن از نتایج ضعیف را تداعی می‌کرد. این اقدام، به جای ایجاد همبستگی، فشار را از سطح هیات‌مدیره به مدیرعامل منتقل کرد و زنجیره‌ای از واکنش‌های احساسی را به دنبال داشت. در چنین فضایی، تصمیماتی اتخاذ شد که بیش از آنکه ریشه در تحلیل داشته باشد، نتیجه فشار و نگرانی بود. جریمه‌های گسترده، نامه‌های انضباطی و اقدامات تنبیهی، همگی در ظاهر نشانه اقتدار بود اما در عمل، فضای تیم را ملتهب‌تر کرد. تجربه فوتبال بارها نشان داده تیم‌ها در فضای آرامش به موفقیت می‌رسند، نه در محیطی که فشار از بی‌اعتمادی و تنش است. وقتی بازیکن احساس کند مدیریت به جای حمایت، در پی یافتن مقصر است، تمرکز او از زمین مسابقه برداشته می‌شود.

■ **آرامش؛ مهم‌ترین نیاز امروز پرسپولیس**
 نکته مهم این است که شرایط جدول، هنوز غیرقابل جبران نیست. برخلاف برخی فصل‌ها که یک تیم با فاصله‌ای قابل توجه از رقبای پیش می‌افتاد، این فصل لیگ برتر همچنان فشرده است. هیچ تیمی فرار بزرگی نکرده و فاصله‌ها به اندازه‌ای نیست که بازگشت غیرممکن باشد. این واقعیت، فرصتی ارزشمند برای مدیریت پرسپولیس فراهم می‌کند تا به جای تصمیمات عجولانه، با تدبیر و آرامش، مسیر خروج از بحران را طراحی کند.

برخی نشانه‌ها از کم‌تجربگی در سطح مدیریت دیده می‌شود. تصمیماتی که بیش از آنکه مبتنی بر یک برنامه بلندمدت باشد، واکنشی به فشارهای لحظه‌ای به نظر می‌رسد. این ویژگی، اقتضای مدیریت جوان و تازه‌کار است؛ مدیریتی که هنوز در حال آموختن قواعد اداره باشگاهی در سطح پرسپولیس است اما همین مرحله، می‌تواند به نقطه بلوغ تبدیل شود، اگر مدیریت مسیر درست را انتخاب کند.

■ **اقتدار واقعی در مهار بحران معنا می‌شود**

واقعیت این است که موفقیت مدیریت، نه در صدور بیابنه‌ها تعریف می‌شود و نه در اعمال جریمه‌ها، بلکه در بازگرداندن تیم به مسیر پیروزی معنا پیدا می‌کند. هواداران،

نخستین چالش واقعی مدیریت تازه‌وارد پرسپولیس

آتش‌نشان باش



بحران و بازگرداندن آرامش است.

پرسپولیس، باشگاهی است که بارها از بحران‌ها عبور کرده است. مدیریت امروز، در نخستین آزمون جدی خود قرار گرفته. آزمونی که نتیجه آن، نه در بیابنه‌ها، بلکه در نحوه عبور از این بحران مشخص خواهد شد. آنها اکنون در برابر یک انتخاب قرار دارند: تبدیل شدن به آتش‌نشانی که شعله‌ها را خاموش می‌کند یا دمنده‌ای که ناخواسته، آتش را گسترده‌تر می‌سازد.

بیش از هر چیز، نتیجه را می‌بینند. آنها به دنبال آرامش، ثبات و نشانه‌هایی از بازگشت تیم به مسیر موفقیت هستند. اقتدار واقعی مدیریت، در تصمیمات سنجیده و به‌موقع نمایان می‌شود، نه در واکنش‌های فوری و احساسی. پایان فصل، زمان مناسبی برای ارزیابی عملکردها و اتخاذ تصمیمات اساسی خواهد بود. در آن مقطع، مدیریت می‌تواند بدون فشار لحظه‌ای، درباره آینده کادر فنی و بازیکنان تصمیم‌گیری کند. اما امروز، اولویت اصلی، مهار

چگونه اشتباهات داوری امیدهای بارسلونا را در لالیگا نابود کرد

سرقت باسوت

پنالتی اشاره کرد و توضیح داد ورود بازیکنان به محوطه پیش از ضربه، دلیل کافی برای تکرار پنالتی بوده است. او حتی از کمیته داوران اسپانیا خواست درباره این تصمیم‌ها توضیح ارائه دهد، زیرا به باور او، این دیگر موضوع تفسیر نبود، بلکه اشتباه واضح محسوب می‌شد.

در سوی مقابل، برخی کارشناسان مانند پرز بورول معتقد بودند برخورد انجام شده در حد خطا نبوده و تصمیم داور قابل دفاع است. با این حال، این اختلاف نظر‌ها از شدت اعتراض‌ها کم نکرد. برای بارسلونا، این شکست تنها از دست دادن ۳ امتیاز نبود، بلکه نتیجه‌ای بود که می‌تواند بر روند قهرمانی و توازن رقابت در صدر جدول تأثیر بگذارد. در نهایت، آنچه در مونتیلیوی رخ داد، بار دیگر پرسش‌هایی جدی درباره نقش داوری در تعیین سرنوشت مسابقات مطرح کرد. شکی که می‌توانست تنها یک رقابت فوتبال باشد، به داستان تبدیل شد از تصمیم‌هایی که مسیر بازی را تغییر دادند و بارسلونا با احساس بی‌عدالتی زمین مسابقه را ترک کرد.

همین شرایط، ضربه‌ای دقیق به ثمر رساند تا خیرونا به گل برتری برسد.

واکنش بازیکنان و کادر فنی بارسلونا فوری و شدید بود. آنها خواستار بازیبنی صحنه شدند اما داور نه‌تنها تصمیم خود را تغییر نداد، بلکه حتی نیازی به مراجعه به مانیتور کنار زمین نیز احساس

نکرد. این در حالی بود که تصاویر پخش‌شده در ورزشگاه به‌وضوح نشان می‌داد برخوردی جدی رخ داده است.

کارشناسان داوری نیز نظرات متفاوتی ارائه کردند اما بسیاری از آنها اشتباهات را تأیید کردند. سزار بارنچها مونترو تأکید کرد برخورد صورت‌گرفته نمی‌توانست نادیده گرفته شود و گل خیرونا نباید تأیید می‌شد. ادو اینتوالده گونسالس نیز علاوه بر این صحنه، به تصمیم مربوط به



محوطه جریمه شده بودند. طبق قوانین، چنین حرکتی به معنای نقض مقررات است و در صورت تأثیرگذاری روی ادامه صحنه، ضربه باید تکرار شود. با این حال، داور و تیم VAR هیچ واکنشی نشان ندادند و این فرصت طلایی برای بارسلونا بدون اصلاح اشتباه از دست رفت.

اما اتفاق اصلی هنوز در راه بود؛ لحظه‌ای که سرنوشت مسابقه را به‌طور کامل تغییر داد. در حالی که بازی با نتیجه مساوی دنبال می‌شد، زؤل کند در یک نبرد فیزیکی با مهاجم خیرونا نقش بر زمین شد. مدافع فرانسوی به وضوح از ناحیه پا آسیب دید و روی چمن باقی ماند اما داور مسابقه، سوتو گراود، هیچ تخلفی اعلام نکرد. بازی ادامه یافت و تنها چند ثانیه بعد، فران بلتران با استفاده از

وام مهم، بی‌بازگشت و عجیب ۴۴میلیاردی استقلال به رامین رضاییان

بانک تاجرنیا!

بازپرداخت کوتاهمدت در اختیار رامین رضاییان قرار داد. چنین پرداختی، آن هم با عنوان وام کوتاهمدت، در ساختار حرفه‌ای فوتبال ایران کم‌سابقه است و همین موضوع، پرسش‌های جدی درباره چرایی این تصمیم ایجاد کرده است.

آنچه این ماجرا را پیچیده‌تر می‌کند، عدم بازگشت این مبلغ در زمان تعیین‌شده است. مشخص نیست چرا باشگاه و شخص تاجرنیا چنین منبع مالی قابل اختصاص داده و مهم‌تر از آن، چرا بازپرداخت آن مطابق برنامه انجام نشده است. این‌موضوع می‌تواند نشانه‌ای از توانمندی تاجرنیا در توفای‌های غیرشفاف یا روش‌هایی برای

او به جمع آبی‌ها، بلکه جزئیات مالی این توافق است. بر اساس اطلاعات ثبت‌شده در سازمان لیگ، رقم قرارداد این بازیکن ۲۹ میلیارد تومان اعلام شده است اما نکته مهم‌تر، پرداخت مبلغی معادل ۷ میلیارد تومان به‌عنوان سهم مدیر برنامه‌های اوست؛ عددی که معادل ۷ درصد کل توافقی محسوب می‌شود. همین نسبت نشان می‌دهد رقم واقعی توافق بسیار فراتر از مبلغ رسمی ثبت‌شده بوده و ابعاد مالی این همکاری متفاوت از چیزی است که روی کاغذ دیده می‌شود.

اما مهم‌ترین بخش این پرونده، پرداخت مبلغی بسیار قابل توجه در قالب وام است. تیرماه ۱۴۰۴، باشگاه استقلال رقمی معادل ۴۳ میلیارد و ۷۵۰ میلیون تومان را تحت عنوان قرض‌الحسنه و با موعد

در فوتبال ما گاهی واقعیت‌های مالی از خود نتایج در زمین هم پرجاشیه‌تر می‌شود. داستان مربوط به رامین رضاییان باشگاه استقلال دقیقاً از همان جنس پرونده‌هایی است که بیش از آنکه به مسائل فنی مربوط باشد، به ساختار تصمیم‌گیری و شیوه مدیریت مالی برمی‌گردد. اتفاقی که حالا تبدیل به یک علامت سؤال بزرگ مقابل مدیر موقت این باشگاه شده است.

رامین رضاییان در مقطعی از فصل جاری به یکی از چهره‌های خیرساز استقلال تبدیل شد. اختلافات او با ریکاردو ساسینتو و قرار گرفتن در حاشیه ترکیب، شرایطی ایجاد کرد که این بازیکن تصمیم گرفت مسیر خود را تغییر دهد و راهی فولاد خوزستان شود. جدایی‌ای که در ظاهر پایان یک همکاری تلقی می‌شد اما در ادامه با تغییر شرایط، ورق برگشت و رضاییان پس از گفت‌وگوهای متعدد، دوباره با استقلال به توافق رسید و قرارداد تازه‌ای امضا کرد.

با این حال، آنچه اکنون توجه‌ها را جلب کرده، نه بازگشت

